

مسأله فلسطین و آموزه های قرآن

مسأله فلسطین و آموزه های قرآن

سید محمود نبویان

چکیده

بیت المقدس، قبله اول مسلمانان جهان و منتهای سیر شبانه پیامبر اسلام 0 و نقطه شروع معراج ایشان است. [1] به همین جهت، دفاع از فلسطین، یک مسأله تاکتیکی و حتی یک مسأله سیاسی صرف نبوده بلکه یک مسأله اعتقادی است.

فلسطین مسأله اول جهان اسلام است، دنیای کفر و ظلم، با تمام قدرت خود در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ... به جنگ اسلام و مسلمانان آمده است و مستکبرین عالم، با مبارزه با فلسطین در صدد نابودی اسلام و مسلمانان هستند.

متأسفانه بسیاری از سران کشورهای اسلامی برخلاف خواسته ملت های خود و ملت های جهان اسلام، منافع دنیوی خود را نصب العین خود قرار داده و در صدد سازش با دشمنان مسلمانان یعنی اسرائیل و آمریکا هستند.

اما آنچه که می تواند مشکل فلسطین را حل کند، توجه به آموزه های قرآن کریم از سوی ملت های مسلمان است. عدم پذیرش ولایت کفار- یعنی آمریکا و اسرائیل-، دشمنی با آنها به عنوان دشمنان اسلام، صبر و مقاومت در مبارزه با اسرائیل، نهراسیدن از مکر و دشمنی آنها و اعتماد به نصرت الهی، نرمش نشان ندادن در مقابل دشمن، دفاع از مردم مظلوم فلسطین و حفظ وحدت میان مسلمانان جهان، برخی از راه حل هایی است که قرآن کریم ارائه می کند. پیروی از آموزه های فوق موجب پیروزی مسلمانان و آزادی

کلید واژه ها

آموزه، ولایت، مقاومت، عدم نرمش و وحدت.

مقدمه

فلسطین مسأله اول جهان اسلام است، دنیای کفر و ظلم، با تمام قدرت خود در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و ... به جنگ اسلام و مسلمانان آمده است و مستکبرین عالم، با مبارزه با فلسطین در صدد نابودی اسلام و مسلمانان هستند.

بیت المقدس، قبله اول مسلمانان جهان و منتهای سیر شبانه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و نقطه شروع معراج ایشان است؛ «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَىٰ بِرَبِّهِ دَهْرًا لَّيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» [2] به همین جهت، دفاع از فلسطین، یک مسأله تاکتیکی نیست، حتی یک مسأله سیاسی صرف نبوده بلکه یک مسأله اعتقادی است.

متأسفانه، وضعیت جهان اسلام در دفاع از کیان اعتقادی خود، امید بخش نیست، دنیای کفر و استکبار و در رأس آنها آمریکا و اسرائیل، در اهداف خود موفقیت هایی را به دست آورده اند. به ویژه سران منفعت طلب و هواپرست کشورهای اسلامی صرفاً به دنبال تامین منافع و ارضای خواسته های خود بوده و در مسیر تحقق اهداف سران کفار گام می زنند، به گونه ای که برخلاف سابق، به صورت علنی به دنبال ایجاد رابطه با اسرائیل - یعنی غاصبان سرزمین مسلمانان مظلوم و قاتلان آنها - هستند.

در این وضعیت، آنچه که نجات بخش مسلمانان است توجه و عمل به آموزه های قرآنی و قطع امید از سران کشورهای اسلامی است، یعنی مسلمانان در صورتی می توانند علیه کفار و مشرکین و در رأس آنها آمریکای جهانخوار و اسرائیل آدم کش پیروز شوند که به قرآن کریم مراجعه کرده و آموزه های آن را عملی سازند. با عمل به آموزه های قرآنی می توان فلسطین را نجات داد.

برخی از مهمترین آموزه های نجات بخش قرآنی و مورد نیاز امروز جهان اسلام به قرار زیر است:

قرآن کریم، با تاکید بسیار، هرگونه پذیرش ولایت کفار از سوی مسلمانان را نهی کرده است. برای نمونه،^[۱] به برخی از آیات قرآن کریم اشاره می‌کنیم:

- وَادِّوَا لَوَّ تَكَفَّرُونَ كَمَا كَفَرُوا وَتَكَفَّرُونَ سَوَاءٌ فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ. [3]

- لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ. [4]

- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تَلْقَوْنَ إِيَّيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُوْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنَّ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرَضَاتِي تَسِرُّونَ إِلَيْهِمْ بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَانْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ. [5]

- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ هُزُوءًا وَلَعِبًا مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَالْكَافَّةَ أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ. [6]

الف- معنای ولایت

ولایت به معنای مالکیت در تدبیر امور است، برای نمونه، ولی^۱ یک شخص، کسی است که مالک تدبیر امور و اموال او است، و در حالی که خود آنان مالک اموال خویشند، اما تدبیر امر اموالشان به دست ولی^۲ آنها است.

غیر از معنای فوق که معنای اصلی کلمه ولایت است، این کلمه به معنای حب^۳، رهبری و نصرت نیز استعمال می‌شود. [7]

در آیات فوق، خدای سبحان ارتباط ولایی با کافران را ممنوع کرده است. ارتباط با کافران با برخی انگیزه‌ها، گناه کبیره و فسق بزرگ و گاه کفرآور است و کسی که با آنان چنین رابطه ولایی برقرار کند، همانند آنان گرفتار غضب الهی خواهد شد.

راز ممنوع بودن پذیرش ولایت کافران - که دوست دارند مؤمنان نیز کافر و همسان آنان شوند - تأثیر سوء اینگونه روابط بر مؤمنان و پدیدآوردن زمینه انحراف آنان از معارف دینی است. در واقع، پیامد ولای کافران از دست دادن ایمان و رابطه با خداست. [8]

به عبارت دیگر، اگر ما کفار را اولیای خود بگیریم خواه ناخواه با آنان امتزاج روحی پیدا کرده و مستلزم آن است که تابع آنان شده و از اخلاق و سایر شؤون حیاتی آنان متأثر گردیم. وقتی يك فرد مؤمن نسبت به کفار ولایت داشته باشد، خود به خود خواص ایمان او و آثارش فاسد گشته، و به تدریج ایمانش تباه می‌شود. [9] مطابق آیات قرآن، داشتن «مودت» به کافران نیز ممنوع است.

بنابراین، پذیرش ولایت کفار-چه اینکه ولایت به معنای محبت باشد، یا نصرت و یا قیادت و رهبری- مورد نهی خدای متعال است. براین اساس، مطابق آموزه های قرآن کریم، دوستی با آمریکا و اسرائیل، همکاری با آنها و پذیرش قیادت و رهبری آنها ممنوع است.

ب- هرکس به دنبال ولایت کفار باشد از خود کفار خواهد بود

در دیدگاه قرآن کریم، پذیرش ولایت کفار چنان مذموم است که موجب می شود مومن را تبدیل به کافر کند:

یا أَيْدِيَهُمْ أَلْسِنَهُمْ لَمْ يَدْعُوا إِلَى إِيْمَانٍ بِاللَّهِ إِلَّا لِيَعْلَمَ أَنَّ لَهُمْ مَقْتًا مِنَ اللَّهِ وَعِندَ الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعَضُهُمْ أََوْلِيَاءُ بَعْضُهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَاِنَّهُمْ مِمَّنْ أَلَّاهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ. [10]

ج- صفت منافقین، پذیرش ولایت کفار و کسب عزت از آنها است

در نظر قرآن کریم، در میان مسلمانان، تنها منافقین هستند که به دنبال رابطه با کفار و پذیرش ولایت آنها هستند:

- بِشَّيْرِ الْمُتَافِقِينَ بَأْنٍ لَّهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا - الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ
الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَلِيَبْتَغُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ
الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا. [11]

- إِنَّ الْمُتَافِقِينَ يَخَادِعُونَ اللَّهَ - وَهُوَ خَادِعُهُمْ - وَإِذَا قَامُوا إِلَى
الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَآؤُنَ النَّاسَ - وَلا يَذْكُرُونَ اللَّهَ - إِلَّا قَلِيلًا - مُذَبِّذِينَ
بَيْنَ ذَلِكَ - لا إِلَهَ هُوَ لَمْ يَلْمِ هُوَ لَاءِ - وَلا إِلَهَ هُوَ لَاءِ - وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ - فَمَا لَهُ
سَبِيلًا - إِنَّ الْمُتَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ - وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ
نَصِيرًا. [12]

د- بیماردلان به دنبال ولایت کفار بوده و مردم را از دشمن می ترسانند

قرآن کریم، کسانی را که به دنبال رابطه با کفار و پذیرش ولایت آنها هستند، «بیماردل» می نامد:

- فَتَتَرَى الَّذِينَ فِيهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَى أَنْ
تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ - فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ -
فِيُصِيبِحُوا عَمَلِهِمْ مَا أَسْرَرُوا فِيهِمْ أَنْزَفْسِهِمْ - نَادِمِينَ. [13]

ه- تهدید مومنین در صورت پذیرش ولایت کفار

به سبب نفرتی که خدای متعال از پذیرش ولایت کفار داشته و نیز به سبب ضررهای فراوان آن برای
مسلمین، خدای متعال در قرآن کریم، مسلمانان را نسبت به این امر تهدید می کند:

- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ
الْمُؤْمِنِينَ أَلْتُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عِلًا عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُبِينًا. [14]

- تَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيَبْئُوسَ مَا قَدَّ مَتَّ
لَهُمْ - أَنْزَفْسُهُمْ - أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ - وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ - وَ لَوْ
كَانُوا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ - وَالنَّبِيِّ - وَ مَا أَنْزَلَ - إِلَيْهِ - مَا اتَّخَذُوا هُمْ
أَوْلِيَاءَ - وَ لَكِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ فَاسِقُونَ. [15]

و- پذیرش ولایت کفار و اعتماد به آنها ساختن خانه بر تارهای عنکبوت است

در مورد بی فائده بودن پذیرش ولایت کفار می فرماید:

- مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ اتَّخَذَتْ بِعَبْتَانٍ وَإِنَّهَا وَهَنَ الْبُيُوتِ لِبَيْتٍ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ. [16]

- قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ. [17]

بنابراین، هرگونه رابطه با آمریکا و اسرائیل از نظر قرآن کریم ممنوع و موجب شکست مسلمانان خواهد بود.

ز- علت نهی از پذیرش ولایت کفار

قرآن کریم با بیان استدلال های گوناگون علت نهی از پذیرش ولایت کفار را بیان می کند:

1- دشمنی کفار با اصل اسلام بوده و آنها به دنبال نابودی اسلام هستند:

- ... وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنِ اسْتِطَاعُوا. [18]

- وَ لَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَبِيعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَلَئِنَّ اتِّبِعْتُمْ أَهْوَاءَهُمْ بَعُدَ السَّبِيلَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ. [19]

- وَ مَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ. [20]

2- کفار هیچ گاه به دوستی و نیز عهدی که با شما بسته اند وفا نخواهند کرد:

- كَيْفَ وَ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَیْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِیْكُمْ إِلَّا وَ لَا ذِمَّةَ
يُرْضُونَكُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ تَأْبَىٰ قُلُوبُهُمْ وَ أَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ - لَا يَرْقُبُونَ
فِیْ مَنْ إِلَّا وَ لَا ذِمَّةَ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ. [21]

بنا بر این، مومنین هیچگاه نباید به کفار خوشبین باشند، زیرا نه به دوستی آنها اعتمادی هست و نه به عهد و پیمان آنها. هرگاه بر مسلمانان غلبه کنند دوستی و عهد و پیمانی که با مسلمانان بسته اند را نقض خواهند کرد.

مطابق آیات قرآن کریم، هر گونه اظهار مودت، پذیرش همکاری و قیادت و نیز خوشبینی به آمریکا و اسرائیل و ایجاد رابطه با آنها به ضرر مسلمانان خواهد بود و تنها راه نجات اسلام و فلسطین، مبارزه با اسرائیل است.

به تعبیر زیبای امام خمینی ره: «روابط ما با امریکا روابط يك مظلوم با يك ظالم است؛ روابط يك غارت شده با يك غارتگر است. [22]»

ایشان به ملت‌های مسلمان گوشزد می‌کند که برای مستقل شدن و آزاد زیستن باید رابطه خود را با آمریکا - که هرچه بدبختی داریم از اوست - قطع کنند: «ملت‌های شریف اسلامی ... برای آزاد زیستن و به استقلال تمام رسیدن، قطع روابط با ابرقدرتها خصوصا امریکا نمایند. من کرارا گوشزد نموده‌ام که رابطه ما با امثال امریکا، رابطه ملت مظلوم با جهان‌خواران است. [23]»

(2) - دشمنی با اسرائیل و آمریکا

به تعبیر امام خمینی ره «آمریکا شیطان بزرگ [24] و دشمن شماره یک مسلمانان و مردم مستضعف جهان است.» [25]

همه می‌دانیم که اسرائیل غاصب نیز توسط مستکبرین عالم به ویژه آمریکای جهان‌خوار تاسیس شده و با

حمایت آنها جنایت های وسیعش را انجام می دهد.

براین اساس، قرآن کریم می فرماید، کفار، دشمنان آشکار شما هستند، و چون مانند شیطان، دشمن شما هستند، شما نیز مکلف هستید که با آنها دشمنی کنید:

- إِنَّ الْكٰفِرِيْنَ كَانُوْا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِيْنًا. [26]

- يَا أَيُّهَا الَّذِيْنَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطٰنَةً مِّنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُوْا لُوْزَكُمْ خِيَالًا وَّ دُوًّا مَا عَدَيْتُمْ قَدَّ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَ مَا تُخْفِيْنَ صُدُوْرُهُمْ أَكْثَرُ قَدَّ بَيَّنَّا لَكُمْ اٰلٰیٰتِ اِن كُنْتُمْ تَعْقِلُوْنَ. [27]

- اِنَّ الشَّيْطٰنَ لَكُمْ عَدُوٌّ وَّ فَاتَخِذُوْهُ عَدُوًّا. [28]

(3)- صبر و مقاومت در مبارزه با اسرائیل

در دیدگاه قرآن کریم، تنها راه پیروزی بر دشمنان، صبر و مقاومت است:

- اِن تَمْسَسْكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَاِن تُصِْبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَّفْرَحُوْا بِهَا وَاِن تَصْبِرُوْا وَ تَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا اِنَّ اللّٰهَ بِمَا يَفْعَلُ مَلَٰٓئِكُوْنَ مُحِيْطٌ. [29]

- بِاللّٰمِ اِن تَصْبِرُوْا وَ تَتَّقُوا وَ يَأْتِ تُوْكُمْ مِّنْ فَوْرِهِمْ هٰذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ اَلْفٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُّسَوِّمِيْنَ. [30]

(4)- نهراسیدن از مکر و دشمنی آنها و اعتماد به نصرت الهی

پشتوانه مسلمانان خدای متعال است، موجودی که تمام موجودات جهان معلول او و عین ربط و نیاز به او هستند،

و او قادر بر همه چیز است، از این رو، مسلمانان در مبارزه با دشمنان اسلام و سران کفار - یعنی

آمریکا و اسرائیل- نباید هراسی به خود راه دهند:

- الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدِ جَمَعُوا لَكُمْ فَآخِشُواهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ-فَاتَّقَلَابُوا بِنِعْمَةِ اللَّهِ مِنْ اللَّهِ وَفَضْلِهِ لَمْ يَمَسُّهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ. [31]

- إِنَّ اللَّهَ يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ- أُوذِيَ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ نَهْرِهِمْ لَقَادِيرٌ- الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْ لَدَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعَضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْذَمَتِ سَوَامِعُ وَبِيَعُ وَصَلَاوَاتُ وَ مَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَ لَيَذْمُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَذْمُرْهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ. [32]

(5) - نرمش نشان ندادن در مقابل دشمن

مطابق آیات قرآن کریم، در مقابل اسرائیل و آمریکای جهانخوار نباید هیچ گونه تسامح و نرمش نشان داد:

- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَ لِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلَظَةً وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ. [33]

- فَلَا تُطِيعِ الْمُكَاذِبِينَ وَ دُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ. [34]

(6) - وظیفه مسلمین جهان دفاع از مردم مظلوم فلسطین است

وظیفه هر مسلمان آن است که در راه مستضعفین عالم به ویژه مسلمانان مظلوم فلسطین با غاصبین اسرائیلی و آمریکایی مبارزه و جهاد کند:

- وَ مَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَ

النِّسَاءِ وَالْوَالِدَانَ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ
الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ
نَصِيرًا. [35]-

(7) - وحدت میان مسلمین

از لوازم مهم پیروزی مسلمین بر کفار، وحدت میان آنها است. ملت‌های مسلمان، واجد توانائی‌های
خدادادی فراوانی هستند که در صورت اتحاد، پیروزی بر کفار، آسان خواهد شد. به همین جهت، دشمنان
اسلام، سعی در تفرقه میان مسلمانان داشته و متأسفانه در هدفشان نیز موفق بوده اند. قرآن کریم در
آیات متعدد، مسلمانان را به وحدت دعوت می‌کند، از جمله:

وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ
اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ
بِرَّيْعَةٍ مِّنْهُ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ أَهْلًا لِّشَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا
كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ. [36]

در آیه فوق، اولاً: مراد از حبل الله، قرآن و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و دستورات ایشان است،
ثانیاً: تکلیف اطاعت و عمل به قرآن و سنت، یک تکلیف اجتماعی است نه فردی، ثالثاً: علت دستور به
وحدت و نهی از تفرقه آن است که در صورت عدم وحدت، دشمنی میان شما حاکم خواهد شد. [37]

در مقابل، عدم وحدت و ایجاد تفرقه میان مسلمین، در دیدگاه قرآن کریم، موجب نتایج سخت و ناگواری
است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

1- قرآن کریم، امت اسلامی را تهدید کرده و با تاکید تمام می‌فرماید در صورتی که بر ایمان به
خداوند و آموزه‌های اسلامی متحد نباشند گرفتار عذاب‌های گوناگون الهی خواهند شد. یکی از آن عذاب‌های
سخت، تحقق تفرقه میان امت اسلامی و درگیری گروه‌های مسلمان با هم و جنگ و خونریزی میان آنها خواهد
بود، وضعیتی که امروزه با پدید آمدن گروه‌های افراطی و تکفیری مانند داعش شاهد آن هستیم:

قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ
مِنْ تَحْتِ أَرْضِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيْعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ مِّنْ بَعْضٍ انظُرْ

مفسرین شیعه و سنی در تفسیر آیه فوق اتفاق نظر دارند که تفرقه میان امت اسلامی و جنگ و خونریزی بین مسلمین، عذابی است که خداوند بر جامعه اسلامی نازل می کند. از ابن عباس نیز نقل شده است که بعد از نزول این آیه، پیامبر صلی الله علیه و آله نگران شده و از خدای متعال رفع عذابه‌ای بیان شده در آیه را از خدای متعال درخواست کرده است، اما خدای متعال، ارسال عذاب از بالای سر و زیرپای مسلمانان را رفع، ولی عذاب تفرقه میان مسلمانان را از امت اسلامی بر نداشته است. [39]

2- تفرقه در دین و امت اسلامی، مستلزم إعراض پیامبر از تفرقه افکنان است، به عبارت دیگر، کسانی که سعی در تفرقه در میان مسلمانان دارند، این عده هیچ ارتباطی با اسلام و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نداشته و پیامبر صلی الله علیه و آله نیز با آنها نخواهد بود، تکلیف این عده با خدای متعال است:

إِنَّ الَّذِينَ فَرُّوا دِينَهُمْ ° وَ كَانُوا شُرَكَاءَ لِمَن لَّمْ يَمْنَهُمْ ° فِي شَيْءٍ ° إِيَّائِي إِزْمًا
أَمْرُهُمْ ° إِلَى اللَّهِ ° ثُمَّ يُنذِبُ إِلَيْهِمْ ° بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ. [40]

3- ایجاد تفرقه میان امت اسلامی صفت مشرکان است. قرآن کریم تاکید می کند که دین اسلام، منطبق با فطرت بشر است، و در چنین دینی نباید تفرقه ایجاد کرد، از این رو، می فرماید مانند مشرکان نباشید که تفرقه ایجاد کرده و به گروه های مختلف منشعب شده اند:

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا ° فِطْرَتَ اللَّهِ ° الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ ° عَلَیْهَا ° لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ° ذَلِكَ ° الدِّينُ ° الْقَيُّمُ ° وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ ° لَا يَعْلَمُونَ ° - مُنِيبِينَ ° إِلَى اللَّهِ ° وَ اتَّقُوهُ ° وَ أَقِيمُوا الصَّلَاةَ ° وَ لَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ° - مِنَ الَّذِينَ فَرُّوا دِينَهُمْ ° وَ كَانُوا شُرَكَاءَ كُلِّ حِزْبٍ ° بِمَا لَدَيْهِمْ ° فَرِحُونَ. [41]

با عنایت به اینکه در نگاه قرآنی، شرک بدترین گناه است و قابل مغفرت نیست: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ ° وَ يَغْفِرُ مَا دُونَهُ ° ذَلِكَ ° لِمَنْ ° يَشَاءُ °» [42] خدای متعال در این آیات، پس از اینکه به فطری بودن دین اسلام اشاره می کند و از مردم، توبه و تقوا و برپایی نماز - به علت اینکه در میان اعمال، نماز مهمتر از همه بوده و عمود دین می باشد - را مطالبه می کند، در

مقابل نیز به گناه شرک که بدترین گناه است اشاره نموده و امر می کند که مانند مشرکین نباشید، و در توصیف اختصاصی ترین ویژگی مشرکین در دین می فرماید، که آنها تفرقه در دین ایجاد کرده و گروه های مختلف را پدید می آورند، به طوری که هر گروهی بدنبال آرای خود می باشد. [43]

نتیجه گیری

- 1- مسأله فلسطین و دفاع از آن یک مسأله اعتقادی است نه یک تاکتیک و یا یک مسأله صرفاً سیاسی.
- 2- وظیفه همه مسلمانان، نجات فلسطین از اشغال کفار یعنی آمریکا و اسرائیل است.
- 3- راه نجات مردم مظلوم فلسطین، توجه و عمل به آموزه های قرآن کریم است.
- 4- مسلمانان جهان باید از هرگونه پذیرش ولایت-یعنی دوستی، همکاری و قیادت- کفار (آمریکا و اسرائیل) پرهیز کنند.
- 5- کفار و در رأس آنها آمریکا و اسرائیل به دنبال نابودی اسلام هستند.
- 6- کفار هیچگاه به عهد و قرارداد خود وفا نمی کنند، و از این رو، به هیچ وجه نباید به آنها اعتماد کرد.
- 7- مسلمین جهان باید با آمریکا و اسرائیل اظهار دشمنی کنند، چون آنها شیطان و از کفار بوده و دشمن اسلام و مسلمین هستند.
- 8- در راه مبارزه با کفار باید صبر داشته و مقاومت کرد، تا به پیروزی رسید.
- 9- از دشمنی و مکر کفار نباید هراس داشت زیرا در صورت اخلاص و نصرت دین خداوند، نصرت الهی شامل مسلمانان خواهد شد.
- 10- برای نجات مردم فلسطین باید مبارزه کرد.

11- وحدت میان مسلمین، بزرگترین عامل پیروزی مسلمانان است، و تفرقه میان امت اسلامی، صفت مشرکان، موجب خروج از اسلام و غضب و عذاب الهی و جنگ و خونریزی میان مسلمانان خواهد شد.

به امید روزی که با وحدت و نیز اعتماد به خدای متعال، شاهد پیروزی مسلمانان بر آمریکای جهان خوار و نابودی اسرائیل غاصب و جنایتکار باشیم، و البته آن روز دور نیست: *اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْمُرْتَدِّينَ*^۱ بر قاریب. [44]

فهرست منابع

1- قرآن کریم

2- الطباطبائی، سید محمد حسین، (1417ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعہ قم مدرسین حوزه علمیه قم، قم.

3- طباطبائی، سید محمد حسین، (1374)، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی جامعہ مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ پنجم.

4- جوادی آملی، عبدالحق، (1378)، تسنیم، مرکز نشر اسراء، قم.

5- زمخشری، محمود، (1407ق)، : الکشاف عن حقایق غوامض تنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التاویل، دارالکتاب العربی، بیروت.

6- فخر رازی، محمد بن عمر، (1420ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، دار احیاء التراث العربی، بیروت.

7- الموسوی خمینی، سید روح الله، (1379)، صحیفه امام، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره، تهران.

[1] . اسراء/1.

[2] . اسراء/1: منزّه و ياك است آن [خدایی] که شبی بندهاش [محمد 0] را از مسجدالحرام به مسجد اقصی که پیرامونش را برکت دادیم، سیر [و حرکت] داد، تا [بخشی] از نشانه‌های [عظمت و قدرت] خود را به او نشان دهیم؛ یقیناً او شنوا و داناست.

[3] . نساء/89: آنان دوست دارند همان گونه که خود کافر شده‌اند، شما هم کافر شوید، تا [در کفر و ضلالت] با هم برابر و یکسان باشید. بنابراین از آنان دوستانی انتخاب نکنید تا آنکه در راه خدا [برای پذیرش دین] هجرت کنند؛ پس اگر [از هجرت] روی برتافتند [و به خیانت و جنایتشان بر ضد شما ادامه دادند] آنان را هر کجا یافتید بگیرید و بکشید، و از آنان یار و یآوری نگیرید.

[4] . آل عمران/28: مؤمنان نباید کافران را به جای اهل ایمان، سرپرست و دوست بگیرند؛ و هر کس چنین کند در هیچ پیوند و رابطه‌ای با خدا نیست،

[5] . ممتحنه/1: ای اهل ایمان! دشمنان من و دشمنان خودتان را دوستان خود مگیرید، شما با آنان اظهار دوستی مکنید، در حالی که آنان به طور یقین به آنچه از حق برای شما آمده کافرند، و پیامبر و شما را به خاطر ایمانتان به خدا که پروردگار شماست [از وطن] بیرون مکنند، [پس آنان را دوستان خود مگیرید] اگر برای جهاد در راه من و طلب خشنودیم بیرون آمده‌اید [چرا] مخفیانه به آنان پیام مدهید که دوستشان دارید؟ در حالی که من به آنچه پنهان مداشتید و آنچه آشکار کردید داناترم، و هر کس از شما با دشمنان من رابطه دوستی برقرار کند، مسلماً از راه راست منحرف شده است.

[6] . مائده/57: ای اهل ایمان! آنان را که دین شما را به مسخره گرفته‌اند، چه از اهل کتاب و چه از کافران، سرپرستان و دوستان خود مگیرید؛ و اگر مؤمن هستید از خدا پروا کنید.

[7] . طباطبائی، سید محمد حسین، (1374)، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، ج3، ص236.

[8] . ر.ک: جوادی آملی، عبدالمجید، (1378)، تسنیم، ج13، ص624-626؛ ج21، ص213.

[9] . ر.ک: طباطبائی، سید محمد حسین، (1374)، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی

همدانی، ج3، ص239-237.

[10] . مائده/51: ای اهل ایمان! یهود و نصاری را سرپرستان و دوستان خود مگیرید، آنان سرپرستان و دوستان یکدیگرند [و تنها به روابط میان خود وفا دارند]. و هر کس از شما، یهود و نصاری را سرپرست و دوست خود گیرد از زمره آنان است؛ بدتردید خدا گروه ستمکار را هدایت نمیدکند.

[11] . نساء/138-139: منافقان را بشارت ده که عذابی دردناک برای آنان است-همان کسانی که کافران را به جای مؤمنان سرپرست و دوست خود میدگیرند؛ آیا عزت و قدرت را نزد آنان میدطلبند؟ یقیناً همه عزت و قدرت فقط برای خداست.

[12] . نساء/142-143 و 145: منافقان همواره با خدا نیرنگ میدکنند، و حال آنکه خدا کیفر دهنده نیرنگ آنان است. و هنگامی که به نماز میدایستند، با کسالت میدایستند، و همواره در برابر مردم ریاکاری میدکنند؛ و خدا را جز اندکی به یاد نمیدآورند- منافقان میان کفر و ایمان متحیر و سرگردانند، نه [با تمام وجود] با مؤمنانند و نه با کافران. و هر که را خدا [به کیفر اعمال زشتش] گمراه کند، هرگز برای او راهی [به سوی هدایت] نخواهی یافت- بدتردید منافقان در پایینترین طبقه از آتشاند، و هرگز برای آنان یآوری نخواهی یافت.

[13] . مائده/52: کسانی که در دل‌هایشان بیماری [دورویی] است، میدبینی که در دوستی با یهود و نصاری شتاب میدورزند و [بر پایه خیال باطلشان که مبادا اسلام و مسلمانان تکیه‌گاه استواری نباشند] میدگویند: میدترسیم آسیب و گزند ناگواری به ما برسد [به این سبب باید برای دوستی به سوی یهود و نصاری بشتابیم]. امید است خدا از سوی خود پیروزی یا واقعیت دیگری [به نفع مسلمانان] پیش آرد تا این بیماردلان بر آنچه در دل‌هایشان پنهان میدداشتند، پشیمان شوند.

[14] . نساء/144: ای اهل ایمان! کافران را به جای مؤمنان، سرپرست و یار خود مگیرید. آیا میدخواهید برای خدا بر ضد خودتان دلیلی آشکار [نسبت به عذابتان در دنیا و آخرت] قرار دهید؟!.

[15] . مائده/80-81: بسیاری از آنان را میدبینی که با کسانی که کفر ورزیدند، همواره دوستی میدکنند. قطعاً بد است آنچه نفوس [طغیان‌گراشان برای قیامت] آنان پیش فرستاده است؛ [و نتیجه آن این است] که خدا بر آنان خشم گرفت و در عذاب جاودانه‌اند- اگر به خدا و پیامبر و آنچه بر او

نازل شده ایمان مدّ آوردند، [از برکت آن ایمان] کفّار و مشرکان را سرپرست و دوست خود نمودند؛ گرفتند؛ ولی بسیاری از آنان فاسقند.

[16] . عنکبوت 41: داستان کسانی که به جای خدا سرپرستانی گرفتند، مانند داستان عنکبوت است که خانه‌های [بد] دیوار، [بد] سقف و [بد] حفاظ] برای خود بنا کرده باشد، و [بد] تردید سست‌ترین خانه‌ها خانه عنکبوت است، اگر [به این واقعیت] معرفت و شناخت داشتند [بت‌ها را سرپرستان خود نمودند].

[17] . رعد 16: [به مشرکان] بگو: پروردگار آسمان‌ها و زمین کیست؟ [خود بد] درنگ] بگو: خدای یکتاست. بگو: آیا سرپرستان و معبودانی به جای او انتخاب کرده‌اید که اختیار هیچ سود و زیانی را برای خودشان ندارند [چه رسد برای شما؟] بگو: آیا نابینا و بینا یکسانند یا تاریکی و نور برابرند؟ یا آنان شریکانی برای خدا قرار دادند [به خیال آنکه] مانند آفرینش خدا چیزی آفریده‌اند، آن گاه آفریده خدا و آفریده شریکان بر آنان مشتبّه شده؟ بگو: آفریننده همه چیز فقط خداست و تنها او یکتای پیروز است.

[18] . بقره/217: ... و مشرکان همواره با شما مدّجنگند تا شما را اگر بتوانند از دینتان برگردانند.

[19] . بقره/120: یهود و نصاری هرگز از تو راضی نمودند تا آنکه از آیینشان پیروی کنی. بگو: مسلماً هدایت خدا فقط هدایت [واقعی] است. و اگر پس از دانشی که [چون قرآن] برایت آمده از هوا و هوس‌های آنان پیروی کنی، از سوی خدا هیچ سرپرست و یاوری برای تو نخواهد بود.

[20] . بروج/8: و با آنان کینه‌توزی نکردند مگر از آن رو که آنان به خداوند پیروزمند ستوده، ایمان داشتند.

[21] . توبه/8 و 10: چگونه [مشرکان بر پیمان خود پای بندند؟] و در صورتی که اگر بر شما چیره شوند، نه [پیوند] خویشاوندی را در حقّ شما رعایت میکنند، نه پیمانی را!! شما را با زیان‌شان خشنود میکنند، ولی دل‌هایشان [از خشنود کردن شما] امتناع دارد و بیشترشان فاسقند- در حقّ هیچ مؤمنی رعایت [پیوند] خویشاوندی و پیمانی را نمودند؛ و آنان همان تجاوزکارانند.

[22] . الموسوی الخمینی، سید روح ا، (1379)، صحیفه امام، ج 7، ص 357.

[23] . همان، ج ۱۲، ص ۲۳۳.

[24] . همان، ج ۱۰، ص ۴۸۹.

[25] . همان، ج ۱۳، ص ۲۱۳-۲۱۲.

[26] . نساء/101: کا فرمان دشمن آشکار شما هستند.

[27] . آل عمران/118: ای کسانی که ایمان آورده اید از غیر خودتان (برای خود) هم رازی نگیرید، آنها در زیان رساندن به شما کوتاهی نخواهند کرد، رنج بردن شما را آنها دوست می دارند، دشمنی از گفتارشان آشکار است و آنچه در سینه های خود (از دشمنی با شما) پنهان می کنند بزرگتر است (از آنچه آشکار می سازند)، ما به خوبی نشانه ها (ی دوست و دشمن) را برای شما بیان کردیم اگر اندیشه و تعقل کنید.

[28] . فاطر/6: مسلما شیطان دشمن شماست، پس او را دشمن بگیرید.

[29] . آل عمران/120: اگر نیکی به شما برسد ناراحت می شوند، واگر حادثه ناگواری برای شما رخ دهد خوشحال می گردند، (اما) اگر (در برابر) آنها استقامت و پرهیزگاری پیشه کنید نقشه های (خائانه) آنها به شما زبانی نمی رسانند، خداوند به آنچه آنها انجام می دهند محیط است.

[30] . آل عمران/125: آری اگر استقامت و تقوا پیشه کنید- و دشمن به همین زودی به سراغ شما بیاید- خداوند شما را به پنج هزار نفر از فرشتگان که نشانه های مخصوصی دارند مدد خواهد کرد.

[31] . آل عمران/173-174: اینها کسانی بودند که (بعضی از مردم) به آنها گفتند: مردم (لشکر دشمن) برای حمله به شما اجتماع کردند، از آنها بترسید، اما این سخن بر ایمان شان افزود و گفتند: خدا ما را کافی است و بهترین حامی ما است. به همین جهت، آنها با نعمت و فضل پروردگار بازگشتند، در حالی که هیچ ناراحتی به آنها نرسید و از رضای خدا پیروی کردند، و خداوند دارای فضل و بخشش بزرگی است.

[32] . حج/40-38: مسلماً خدا از مؤمنان دفاع می کند، قطعاً خدا هیچ خیانت کار ناسپاسی را دوست ندارد. به کسانی که [ستمکارانه] مورد جنگ و هجوم قرار می گیرند، به سبب آنکه به آنان ستم شده

اذن جنگ داده شده، مسلماً خدا بر یاری دادن آنان تواناست. همانان که به ناحق از خانه‌هایشان اخراج شدند [و گناه و جرمی نداشتند] جز اینکه مدّگفتند: پروردگار ما خدا است و اگر خدا برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمده کرد، همانا صومعه‌ها و کلیساها و کنیسه‌ها و مسجدهایی که در آنها بسیار نام خدا ذکر می‌شود به شدت ویران می‌شدند؛ و قطعاً خدا به کسانی که [دین] او را یاری می‌دهند یاری می‌رساند؛ مسلماً خدا نیرومند و توانای شکست‌ناپذیر است.

[33]. توبه/123: ای کسانی که ایمان آورده اید با کافرانی که به شما نزدیک‌ترند پیکار کنید و آنها باید در شما شدت و خشونت احساس کنند، و بدانید خداوند با پرهیزگاران است.

[34]. قلم/9-8: پس از تکذیب کنندگان فرمان مبر- آنها دوست دارند که تو نرمش نشان دهی تا آنها نیز نرمش کنند.

[35]. نساء/75: چرا در راه خدا و در راه مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده اند پیکار نمی‌کنید؟ همان افرادی که می‌گویند خدایا ما را از این شهر که اهلش ستمگرند بیرون ببر و برای ما از طرف خود سرپرست قرار بده و از برای ما از طرف خود یاریوری تعیین فرما.

[36]. آل عمران/103: و همگی به ریسمان خدا [قرآن و اهل بیت علیهم السلام] جنگ زنید، و پراکنده و گروه گروه نشوید؛ و نعمت خدا را بر خود یاد کنید آن گاه که [پیش از بعثت پیامبر و نزول قرآن] با یکدیگر دشمن بودید، پس میان دل‌های شما پیوند و الفت برقرار کرد، در نتیجه به رحمت و لطف او با هم برادر شدید، و بر لب گودالی از آتش بودید، ولی شما را از آن نجات داد؛ خدا این گونه، نشانه‌های [قدرت، لطف و رحمت] خود را برای شما روشن می‌سازد تا هدایت شوید.

[37]. نک: الطباطبائی، سیدمحمدحسین، (1417ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج3، ص369.

[38]. انعام/65: بگو او قادر است که عذابی از طرف فوق یا از زیرپای شما بر شما بفرستد یا به صورت دسته های پراکنده شما را با هم بیامیزد و طعم جنگ را به هر یک از شما به وسیله دیگری بچشاند بین چگونه آیات گوناگون را برای آنها بازگو می‌کنیم شاید بفهمند (و بازگردند).

[39] . فخر رازی، محمد بن عمر، (1420ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، ج13، ص21-20؛ (عن ابن عباس رضی اللہ عنہما: لما نزل جبریل علیہ السلام بهذه الآية شق ذلك على الرسول عليه/ الصلاة و السلام و قال: «ما بقاء أمتي إن عوملوا بذلك» فقال له جبریل: إنما أنا عبد مثلک فادع ربک لأمتک، فسأل ربه أن لا يفعل بهم ذلك. فقال جبریل: إن اللّٰه قد أمنهم من خصلتين أن لا يبعث عليهم عذابا من فوقهم كما بعثه على قوم نوح و لوط، و لا من تحت أرجلهم كما خسف بقارون و لم يجرهم من أن يلبسهم شيئا بالأهواء المختلفة و يذيق بعضهم بأس بعض [بالسيف.])؛ نیز نک: زمخشری، محمود، (1407ق)، الکشاف عن حقایق غوامض تنزیل و عیون الاقاویل فی وجوه التاویل، ج2، ص33؛ الطباطبائی، سید محمد حسین، (1417ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج7، ص137-135.

[40] . انعام/159: مسلماً کسانی که دینشان را بخش بخش کردند، و گروه گروه شدند، تو را هیچ پیوندی با آنان نیست، کار آنان فقط با خداست، سپس به اعمالی که همواره انجام میدادند، آگاهشان میکند. نک: الطباطبائی، سید محمد حسین، (1417ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج7، ص390-389؛ فخر رازی، محمد بن عمر، (1420ق)، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، ج14، ص189.

[41] . روم/32-30: پس [با توجه به بد پایه بودن شرک] حق گرایانه و بدون انحراف با همه وجودت به سوی این دین [توحیدی] روی آور، [پا بند و استوار بر] سرشت خدا که مردم را بر آن سرشته است باش برای آفرینش خدا هیچگونه تغییر و تبدیلی نیست؛ این است دین درست و استوار؛ ولی بیشتر مردم معرفت و دانش [به این حقیقت اصیل] ندارند. - [پا بند به همان سرشت خدایی باشید] در حالی که روبرو آورانندگان به سوی او هستید و از او پروا کنید و نماز را برپا دارید و از مشرکان نباشید. - مشرکانی که دینشان را بخش بخش کردند و [سرانجام] گروه گروه شدند، در حالی که هر گروهی به آنچه [از بخشی از دین] نزد آنان است [به تصور اینکه حق است] شادمانند!

[42] . نساء/48: مسلماً خدا این را که به او شرک ورزیده شود نمیدانم و غیر آن را برای هر کس که بخواهد میدانم.

[43] . نک: الطباطبائی، سید محمد حسین، (1417ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، ج16، ص182: (و قوله: «و لا تکونوا من المشرکین» القول فی اختصاصه من بین المحرمات بالذکر نظیر القول فی الصلاة فالشرک با أكبر الكبائر الموبقة، و قد قال تعالی: «إن اللّٰه لا یغفرُ أن یشْرکَ بِهِ»

وَ يَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ»، : النساء: 48 إلى غير ذلك من الآيات. قوله تعالى: «مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَ كَانُوا شَيْعَاءً كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ» «من» للتبيين و «مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ» إلخ، بيان للمشركين و فيه تعريفهم بأخص صفاتهم في دينهم و هو تفرقهم في دينهم و عودهم شيعة شيعة و حزبا حزبا يفرح و يسر كل شيعة و حزب بما عندهم من الدين و السبب في ذلك ما ذكره قبيل هذا بقوله: «بَلِ اتَّخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَمَنْ يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَ مَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ» فبين أنهم بنوا دينهم على أساس الأهواء و أنه لا يهديهم و لا هادي غيره. و من المعلوم أن هوى النفس لا يتفق في النفوس بل و لا يثبت على حال واحدة دون أن يختلف باختلاف الأحوال و إذا كان هو الأساس للدين لم يلبث دون أن يسير بسير الأهواء و ينزل بنزولها، و لا فرق في ذلك بين الدين الباطل و الدين الحق المبني على أساس الهوى.)